

نقش و آثار تربیتی دوستی در نهج البلاغه

دکتر مرتضی رحیمی

* چکیده:

در بخش اول این مقاله بعد از چکیده، نقش و اهمیت دوستی در نهج البلاغه و نقش و آثار دوستان در بهبودی وضع اقتصادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و خانوادگی مطرح گردیده و نداشتن دوست نشانه عجز و ناتوانی قلمداد گردیده و دوست‌یابی و داشتن دوست خوب موجب رفع غربت و تنهایی و اخلاق نادرست از انسان می‌شود. همچنین وسایل دوستی همچون: مهرورزی و محبت، تواضع و فروتنی، انفاق و بخشش، بردباری و تحمل، معاشرت و همنشینی نیکو، روحیه‌ی اصلاح‌گری و خیرخواهی مطرح و به ویژگی‌های یک دوست خوب در دنیا و آخرت همچون کوچک بودن دنیا در دیدگاهش، آزادی از شهوات، تعادل و میانه‌روی، متواضع و فروتن، شجاع و غیور، متین و حلیم، دارای ظرفیت و تحمل‌پذیری، تسلیم در برابر خدا و صداقت در کلام و عمل و پرهیز از مجادله و نزاع و مبارزه با هوای نفس و تلاش برای کسب مکرمات‌ها و فضائل عالی اخلاقی اشاره شده است. اکنون بخش دوم این مقاله به موضوعاتی همچون:

- ۱- آداب دوستی (تفاهم عاقلانه، پرهیز از افراط و تفریط، نرمی در گفتار و کردار، امتحان دوست)،
 - ۲- وظائف دوست در قبال دوست (استمرار ارتباط با مهربانی، بخشش و عطا، عذرخواهی و عذرپذیری، اخلاص در گفتار)
 - ۳- ترک دوستی با (دشمن دوست‌نما، افراد احمق، افراد فاجر، بخیل، دروغگو، سست رأی، جاهل و گرفتار تهمت)
 - ۴- آفات دوستی (عوامل گسستن دوستی: سخن چینی، خبث سریره، بی‌اعتنایی به دوست و ...)
- پرداخته شده است که به منظر خوانندگان محترم تقدیم می‌گردد.
- * آداب دوستی

دوستی و مودت آداب و مقرراتی دارد که عبارتند از:

۱- در صورت بریدن از دوست باید جایی برای دوستی باقی گذاشت:

دوستی باید با اعتدال و میانه‌روی باشد و در بریدن از دیگران نباید همه پل‌های پشت سر را خراب و جایی برای بازگشت باقی نگذاشت، زیرا گاهی به دلیل سوء تفاهم آدمی احساساتی شده و در روابط

دوستانه خود با دیگران عاقلانه عمل ننموده و پشیمانی بعدی را موجب می‌گردد، از این رو علی(ع) به امام حسن(ع) فرموده‌اند: «و ان اردت قطیعة اخیک فاستبق له من نفسک بقیة یرجع الیها ان بدا له ذلک یوماً ما» اگر خواستی از برادرت ببری جایی برای دوستی او نزد خود باقی بگذار که اگر روزی بر وی آشکار گردید بدان وسیلت بدان تواند رسید.

این سخن علی(ع) نظیر سخن سخن دیگر ایشان است که در آن آمده: «أخِيبْ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَّا- عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَّا وَ أَبْنِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَّا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَّا» «دوست خود را به اندازه دوست بدار، شاید روزی دشمن تو شود، و دشمنی را نیز به مدارا دشمن بدار، شاید روزی دوست گردد.»

از این سخن، دستور به اعتدال در دوستی و دشمنی و زیاده روی نکردن در آنها نتیجه گرفته می‌شود، چه آن که در زیاده‌روی و افراط مفسده و زیان است.

هون، به معنای آرامش و متانت است، و این کلمه صفت برای مصدر محذوف است، یعنی: دوستی توأم با آرامش و اعتدال. کلمه ما در هر دو مورد مفید ناچیز و اندکی از آرامش و روز است، مفسده زیاده روی در محبت در این است که شخص، دوست خود را بر اسرار و احوال خویش آگاه می‌سازد و اگر بعدها دوستیشان به دشمنی مبدل شود چنین دوستی به دلیل آگاهی بر اسرار، بر ناپودی شخص از دشمنان دیگر توانا تر است، و همچنین مفسده زیاده‌روی در دشمنی، ابقا نکردن بر دشمن است که خود باعث دوام دشمنی و عداوت می‌باشد، از این رو میانه‌روی در دوستی و دشمنی بهتر است، زیرا چه بسا دشمن روزی بر گردد و دوست شود، اگر برای دوستی جایی باقی گذاشته باشند از سوی هر دوستی ممکن است روزی دشمن شود، لذا در دوستی با او نباید زیاده روی کنند.

علی(ع) در جای دیگر از افراط و تفریط در دشمنی پرهیز داده و فرموده‌اند: «من بالغ فی الخصومة اثم و منط قصر فیها ظلم و لایستطیع ان یتقی الله من خاصم» «هر کس در دشمنی پافشاری کند گنهگار است و هر کس کوتاه بیاید، ستمکش است و هر که با دیگران در ستیز باشد، نمی‌تواند پرهیزگار باشد.»

۲- نرمی با کسی که با انسان دشمنی می‌کند:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: «لن لمن خالطک فانه یوشک ان ینلین لک»، با کسی که با تو به درستی برآید نرمش کن چه بسا که او با تو نرم شود. این جمله همانند مثل مشهور «إذا عز أخوک فهن» بوده و متأثر از آیه «ادفع بالتی هی احسن فإذا الذی بینک و بینة عداوة کانه ولی حمیم» (مؤمنون/۷۶) می‌باشد.

۳- باقی نگذاشتن عذر و بهانه ای برای بریدن دوست از انسان:

یعنی انسان باید آن چنان در روابطش دقت کند که خطا و اشتباهی از او سر نزنند که بهانه ای به دست دوست بدهد و موجب بریدن وی گردد، علی(ع) در این باره فرموده‌اند: «لا یكونن أخوک اقوی علی قطیعتک منک علی صلته و لا یكونن علی الاساءة اقوی منک علی الاحسان ترک» (نامه ۲۱) و باید که نباشد برادر تو قوی‌تر بر بریدن تو از تو بر پیوستن به او و باید که نباشد برادر مؤمن بر بدی کردن قوی تر از تو بر احسان نمودن.

۴- آزمایش و امتحان دوست:

برای تلاوم و ثبات دوستی امتحان و آزمایش دوست ضروری است که در روایات زیادی به آن تصریح

شده است. علی(ع) در این باره فرموده اند: «من اختبر قلا (و هجر)» هر که آزمایش کند دشمن گردد (ممکن است مراد آزمایش مردم باشد که پس از آن بر اثر اعمال زشت آنان دشمن آنها گردد) و ترک کند. و نیز فرموده‌اند: «الطمانینه إلى كل أحد قبل الاختبار من قصور العقل» (نهج البلاغه/قصار ۳۸۴) اطمینان کردن بهر فردی پیش از آزمایش از کوتاهی عقل است. و نیز فرموده اند: «من اطمان قبل الاختبار ندم» هر که پیش از آزمایش (به دوست و یا غیر آن) مطمئن شود پشیمان خواهد گردید. و نیز فرموده اند: «من اتخذ اخا بعد حسن الاختبار دامت صحبته و تاكدت مودته: هر کس پس از این که خوب آزمود برای خویش برادری گیرد یاریش با آن کس پایدار ماند و دوستیش استوار باید. و نیز فرموده اند: «من اتخذ أخاً من غیر اختبار ألجأه الاضطرار إلى مرافقة الأشرار: هر که بدون آزمایش برادری بگیرد، اضطرار او را به رفاقت بدان مجبور سازد.

«وظایف دوست در قبال دوستان

هر فردی در مقابل دوستان خود وظایفی دارد که در نظر گرفتن و پای بندی به آن وظایف در تحکیم دوستی و پیوند و محبت نقش زیادی دارد، علی(ع) در نهج البلاغه به موارد زیادی از این وظایف که می توان از آنها به منشور دوستی تعبیر نمود اشاره نموده اند، از جمله:

۱ - پیوند با دوست در هنگامی که دوست از انسان بریده و مهربانی بیشه نمودن با وی:

علی(ع) در این باره در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندشان امام حسن(ع) فرموده‌اند: «أخيل نفسك من أخيك عند صرمة علي الصلوة و عند صدوده علي اللطف و المقاربة» به هنگام قطع رابطه از ناحیه دوست تو پیوند نما، و هنگام قهر و دوریش، لطف و نزدیکی.

۲ - بخشش و عطا نمودن به دوست در هنگامی که وی بخل می‌ورزد:

علی(ع) در این باره در نامه ۳۱ فرموده‌اند: «و عند جموده علي البذل» در هنگامی که برادرت بخل ورزد از بخشش دریغ مکن.

۳ - نزدیک شدن به دوست در هنگامی که دوست از وی بریده:

علی(ع) در این باره در نامه یاد شده فرموده‌اند: «و عند تباعده علي الدنو» در هنگام دوری کردن دوست باید به او نزدیک شوی.

۴ - نرمی کردن با دوست در هنگامی که وی سختگیری می‌کند:

علی(ع) در این باره در نامه مورد بحث فرموده‌اند: «و عند شدته علي اللين» در هنگام سختگیری کردن دوستت با او نرمی کن.

۵ - عذر خواهی کردن از دوست در هنگام لزوم:

علی(ع) در این باره در همان نامه فرموده‌اند: «و عند جرمة علي العذر حتی كانك له عبد و كانه ذو نعمة عليك» در هنگام گناه برادرت عذر خواهی وی را بپذیر چنان که گویا تو بنده اوئی و گویا او تو را نعمت داده است.

از این عبارت استفاده می‌شود که دوست خطاکار باید نسبت به خطایی که از او سرزده از دوستش عذر خواهی کند و او نیز باید عذر خواهی وی را بپذیرد. با این وجود حضرت پس از عبارت یاد شده به امام حسن(ع) خاطر نشان شده اند که مبدا آنچه را که گفتم در غیر مورد به کار بندی، و یا آن که آنها را در باره کسانی که لایق نیستند انجام دهی.

نصیحت به معنای پند و اندرز و یاد آور شدن معایب دوست و توصیه به رفع آنها از جمله وظایف دوست دانسته شده و از وی خواسته شده که در هنگام مشاهده خطا و اشتباه دوست وی را راهنمایی و ارشاد نموده و او را به رفع آن تشویق کند، این کار در پاره ای روایات به منزله یک نوع هدیه خوب تلقی شده است، چنانچه امام صادق (ع) فرموده اند: «احب اخوانی الی من اهدی الی عیوبی» محبوبترین دوستان من کسی است که عیوب مرا به من هدیه کند. همچنین علی (ع) بهترین دوستان را ناصح ترین ایشان برشمرده و نصیحت را از اخلاق خوبان دانسته و اشاره نموده اند که نصیحت از محبت ناشی شده و خود محبت به وجود می آورد.^۸ و با توجه به تأثیر سخن خالص در دیگران، در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندشان یاد آور شده اند که «وامحض اخاک النصیحة حسنه کانت او قبیحة» در پند و اندرزی که به برادرت می دهی - نیک بود یا زشت - باید اخلاص داشته باشی.

۷ - حسن ظن داشتن به دوست و اعتماد نمودن به وی:

علی (ع) در این باره فرموده اند: «من ظن بک خیراً فصدق» (صبحی صالح/حکمت ۲۴۸) کسی که به تو گمان نیک ببرد با کرده خویش گمانش را تصدیق کن. عین همین جمله در نامه ۳۱ به امام حسن (ع) و نزدیک به همین مضمون در موارد چندی از نهج البلاغه به چشم می خورد که از آن می توان اهمیت مورد یاد شده را نتیجه گرفت، چنانچه در خطبه ۱۴۱ خطبه فرموده اند: یا ایها الناس من عرف من اخیه وثیقۀ دین و سداد طریق فلا یسمن فیہ اقاویل الرجال: ای مردم هر که از استواری دین برادرش و از گام نهان وی در راه راست آگاه باشد نباید به گفتار مردم درباره او گوش فرادهد. همچنین در جای دیگر (ابن ابی الحدید/حکمت ۳۱۵) فرموده اند: «اتقوا ظنون المؤمنین فان الله تعالی جعل الحق علی السنتهم» از گمانهای بد نسبت به مؤمنین بپرهیزید، زیرا خداوند حق را بر زبان ایشان جاری ساخته است. و نیز در جای دیگر (ابن ابی الحدید/حکمت ۲۶۶) فرموده اند: لا تظنن بکلمه خرجت من أحد سوءاً و انت تجدلها فی الخیر محتملاً. به حرفی که از دهان کسی بیرون می آید گمان بد میر در حالی که احتمال نیکی بر آن داری. و نیز فرموده اند: ضع امر اخیک علی احسنه حتی یأتیک ما یغلبک منه و لا تظنن بکلمه خرجت من اخیک سوء و انت تجدلها فی الخیر محتملاً. (ابن ابی الحدید ۱۸/۳۷۸) کار برادرت را به بهترین شکل حمل کن تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه به سخنی که از دهان برادرت خارج شده گمان بد میر در صورتی که برای آن سخن محمل و توجیه خوبی می یابی.

۸ - تسلیت گفتن در مرگ دوستان: این امر از سخن علی (ع) استفاده می شود که در آن آمده: «و عزی قوماً عن میت مات لهم فقال (علیه السلام) ان هذا الامر لیس بکم بدأ و لا الیکم انتهی و قد کان صاحبکم هذا یسافر فقالوا نعم قال فعدوه فی بعض سفرائه فان قدم علیکم و الا فبعثتم علیه» (ابن ابی الحدید/حکمت ۳۶۳) آن حضرت در تسلیت به بازماندگان مرده ای فرمودند: «مرگ از شما آغاز نکرده و به شما هم پایان نمی پذیرد، آیا این دوست شما که مرده است سفر نمی کرد؟ پاسخ دادند چرا، حضرت فرمود که فرض کنید به یکی از مسافرتهایش رفته است، اگر او پس شما باز آمد، چه خوب و اگر باز ننگشت، شما پیش او می روید.

۹ - پاسخ مناسب دادن به هدایای دوستان و احسان به آنها:

با توجه به نقش زیاد هدیه در ایجاد محبت، از یک سو به دادن هدیه توصیه شده و از سوی به پذیرش

هدیه سفارش شده است، از طرفی هم هدیه دادن از وظایف دوستی است و هم پاسخ مناسب دادن به هدیه از وظایف و حقوق دوستی بشمار می‌رود، از همین روی علی(ع) فرموده‌اند: « إِذَا حَبِيتَ بِتَحِيَّةٍ فَحَيَّ بِأَحْسَنِ مَنَهَا وَ إِذَا أَسَدَيْتَ إِلَيْكَ يَدُ فَكَافَيْهَا بِمَا يُرْبِي عَلَيْهَا وَ الْفَضْلُ مَعَ ذَلِكَ لِلْيَادِي (ابن ابی الحدید/قصار ۶۰) اگر کسی به تو احسانی کرد پاداشش را افزوتر کن، و فضیلت از آن کسی است که آغازگر نیکی باشد

۱۰- وفادار بودن به دوستان:

نظر به اهمیتی که دوستی دارد به وفاداری نسبت به آن توصیه شده و از افراد خواسته شده که دوستی را تداوم بخشند و در دوستی خود با دیگران وفادار بمانند، از همین روی در کتب صیغ عقود برای برادری یا دوستی صیغ خاصی بیان شده که به وفاداری نسبت به دوستی تا دم مرگ توصیه و تشویق می‌کنند، علی(ع) در باره لزوم وفاداری نسبت به دوستی فرموده‌اند (ابن ابی الحدید/قصار ۱۳۰): « لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ وَقَاتِهِ، دوست واقعی کسی است که دوستی و برادری‌اش را در سه مورد رعایت کند: در هنگام سختی و بلا در نبودن و هنگام غیبت و موقع مرگ. بر اساس این سخن شریف دوستی ایجاب می‌کند که انسان دوست خود را در هنگام گرفتاری با جان و مال همراهی کند و در غیبت وی او را از سخنان ناروایی، که درباره‌اش می‌شنود حفظ کند و در هنگام وفات با دعا و استغفار یادش کند. از همین روی در شعری منسوب به ایشان فرموده‌اند: «وما اکثر الاخوان حين تعدمهم ولكنهم في النائبات قليل» و چه بسیارند دوستان در هنگامی که ایشان را به شمار می‌آوری و چه کم است شمار دوستان در هنگام سختی و گرفتاری. همچنین امام صادق(ع) در این باره فرموده‌اند: «دوست تو کسی است که اگر خواستی با شمشیر او را عمداً بزنی، در دوستی به تو بدگمان نمی‌شود و اگر او را به سوی مرگ خواندی، برای این که در دوستیش با تو باقی بماند، دعوت تو را رد نخواهد کرد.»

۱۱ - به تکلف نینداختن خود برای دوست :

تکلف، به معنای خود را به مشقت انداختن و یک رنگ نبودن و خود آرایی و بستن چیزی به خود و ظاهر سازی کردن یا رودبایستی نمودن از خصوصیتی است که در روایات از آن نکوهش شده و به سادگی تشویق شده است، چنانچه پیامبر(ص) برای متکلف سه نشانه بیان نموده و فرموده‌اند: «يتملق اذا حضر و يغتاب اذا حضر و يشمت بالمصيبة، (متکلف سه نشانه دارد): در حضور تملق کند، و در نهان غیبت و در مصیبت شماتت. از همین روی علی(ع) از جمله وظایف دوست را به تکلف نینداختن دوست دانسته و فرموده‌اند: شر الاخوان من تكلف له (ابن ابی الحدید/قصار ۴۸۷) بدترین برادران آن است که به خاطرش آدمی به زحمت افتد. «سید رضی در باره جمله یاد شده گفته: زیرا تکلیف کردن لازمه‌اش به زحمت افتادن است و این زحمت را برادری که برای او به رنج افتاده‌اند سبب شده، پس او بدترین برادران است.» همچنین ابن ابی الحدید گفته: «بدون تردید همین گونه است، دوستی صادقانه موجب انبساط و ترک تکلف است و هرگاه برای دوستی نیاز به تکلف و رودبایستی باشد، دلیل بر آن است که دوستی صادقانه نیست و هرکس برادر راستین نباشد از بدترین برادران است.»

۱۲ - بدی نکردن به دوستی که باعث خوشحالی شده:

خوشحال کردن دیگران و ادخال سرور در دل ایشان از جمله کارهای پسندیده است که در متون اسلامی به صور گوناگون مورد تشویق قرار گرفته، چنانچه امام باقر(ع) فرموده: « مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ

إِلَى اللَّهِ مِنْ إِذْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، خداوند به چیزی محبوبتر از ادخال سرور بر مؤمن عبادت نشده است، از همین روی از آداب دوستی است که به دوستی که باعث خوشحالی شده بدی نشود، چنانچه علی(ع) فرموده (ابن ابی الحدید/نامه ۳۱): «لَيْسَ جَزَاءُ مَنْ سَرَّكَ أَنْ تَسُوَّهُ، پاداش کسی که تو را شادمان می‌سازد، بدی کردن به او نیست. جمله یاد شده در خصوص اهتمام به شؤون انصار و اعیان و برادران و دوستان صحبت می‌کند، وبر اساس برخی از شروح نهج البلاغه^{۱۲} مفهومی آن است که پاداش کسی که با برادری یا دوستی خویش موجب خوشحالی انسان شده آن نیست که بدون تحقیق و بی دلیل با او قطع دوستی کند و او را خرسند نکند و به دوستی وی برنگردد.»

۱۳ - ضایع نکردن حق دوست با اعتمادی که به دوستی وی است:

علی(ع) در این باره در نامه ۳۱ فرموده‌اند: «و لَا تَضِيعَنَّ حَقَّ أَحَدِكُمْ أَتَكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعَّتْ حَقَّهُ: و حق دوستت را به اعتماد دوستی که با او داری ضایع مگردان، چه آن کس که حقیق را ضایع کرده ای با تو دوست نخواهد بود.»

اتخاذ روش‌های مناسب جهت تحکیم دوستی

گذشته از آن که انسان در مقابل دوستانش وظیفه دارد در مقابل دوستانش نیز باید روش‌های خاصی را اتخاذ و مواردی را رعایت کند که علی(ع) در نهج البلاغه به مواردی از آنها اشاره فرموده انداز جمله:

۱ - بزرگ نینداختن ظلم کسی که به انسان ظلم نموده:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (ولا یکبرن علیک ظلم من ظلمک فانه یسعی فی مضرتک و نفعک. نامه ۳۱) فرزندانم! ستم آن که بر تو ستم کند در دیده ات بزرگ نیاید، چه او در زیان خود و سود تو کوشش نماید.

۲ - بادشمن به بخشش رفتار کردن:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (وخذ علی عدوک بالفضل فانه احلی الظفرین). نامه ۳۱) بادشمن خودبه بخشش رفتار کن که آن شیرین ترین دویبیزی است. همچنین فرموده‌اند: (اذا قنرت علی عدوک فاجل العفونه شکر اللقدرة علیه. حکمت ۱۱/ ابن ابی الحدید) چون بر دشمن چیره گشتی عفو اورا سپاس قدرت بر او قرار ده.

ابن ابی الحدید ضمن شرح این سخن گفته: من این سخن را در قطعه ای تضمین کرده و چنین سروده ام که: اگر بر دشمن چیره شدی و خواستی انتقام بگیری با بخشیدن دشمنانت سپاس پیروزی را بجای آور.

۳ - نهی از دشمن تراشی:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: ان للخصومة قحما (حکمت/ ۲۶۰ زمانی) دشمنی حوادث خطرناک به دنبال دارد.

ابن ابی الحدید گفته (ابن ابی الحدید ۱۹/۱۰۷) امام این سخن را وقتی بیان فرموده که عبدالله بن جعفر را برای فصل خصومت و کیل قرار داده است.

* با چه کسانی باید دوستی را ترک نمود؟

با وجود آنکه دوستی اهمیت بسزایی دارد و به صور گوناگون به آن تشویق شده و از دست دادن دوست مورد نکوهش قرار گرفته با این وجود سفارش شده که برخی از افراد به دوستی انتخاب نشوند. افرادی که دوستی با آنها نهی شده عبارتند از:

۱ - دشمن دوست:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (لا تتخذن عدو صدیقک صدیقاً فتعادی صدیقک. نامه ۳۱) دشمن دوست

رادوست مگیرتا دوست رادشمن نباشی. همچنین در جای دیگر دشمن دوست و دوست دشمن رادشمن انسان دانسته و فرموده‌اند: واعداک : عدوک، وعدو صدیقک، و صدیق عدوک. حکمت/۲۹۵ دشمنان تو، دشمنت و دشمن دوست تو و دوست دشمن تو هستند.

۲ - افراد احق:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (لاتصحب المائق فانه یزین لک ویودان تکون مثله. حکمت/۲۹۳) همنشین بی خرد نباش که او کار خود را برای تو آراید و دوست دارد تو را چون خود نماید. و نیز فرموده‌اند: (یا بنی ایاک و مصاحبه الاحق فانه یریدان ینفعک فیضرک. حکمت/۳۸) فرزندم از دوستی با نادان (احق) بهره‌ز که می‌خواهد به تو سود برساند اما زبان می‌رساند.

۳ - افراد بخیل:

علی(ع) دوستی با افراد بخیل نکوهش نموده و از نهی نموده و فرموده‌اند: (وایاک و مصادقه البخیل فانه یقعد عنک ما احوج ما تکون الیه. حکمت/۳۸) (فرزندم) از دوستی با بخیل بر حذر باش که در سخت ترین نیاز مندی‌ها دست از یاریت می‌کشد.

۴ - افراد فاجر و فاسق:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (وایاک و مصادقه الفاجر فانه یبیکک بالتافه. حکمت/۳۸) (فرزندم) از دوستی باید کار بهره‌ز که تو را به اندک چیزی می‌فروشد. همچنین فرموده‌اند: (ایاک و مصاحبه الفساق فان الشر بالشر ملحق. نامه ۶۹ به حارث همدانی) از همنشینی با فاسقان بهره‌ز که شر به شر بیونند.

۵ - افراد دروغگو:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (وایاک و مصادقه الکذاب فانه کالسراب یقرب علیک البعید ویبعد علیک القریب. حکمت/۳۸) (فرزندم) از دوستی دروغگوی بر حذر باش که همچنین سراب است که دور را در نظرت نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌نماید.

۶ - افرادی که به انسان دل نمی‌بندند (به انسان علاقه ندارند):

علی(ع) در این خصوص فرموده‌اند: (ولا ترغبین فینم زهد فیک. نامه ۳۱) (فرزندم) در آن که تو را نخواهد دل نبند، معنی این سخن علی(ع) این است دوستی با افرادی که به انسان علاقه ای ندارند بی معنی و بی نتیجه است. و نیز فرموده‌اند: (ومن لم یبالک فهو عدوک. نامه ۳۱) هر کس که در مورد تویی پروا باشد) سود و زیانت را یکسان شمارد) دشمن تو است.

۷ - افرادی که سست رأی هستند و کارشان ناپسند است:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (احذر صحابه من یفیل رایه وینکر عمله فان الصحاب معتبر بصاحبه. نامه ۶۹) از دوستی با مردم سست رأی که کارشان ناپسند است بهره‌ز چون هر کس از آن که دوست اوست شناخته می‌شود.

۸ - افراد جاهل:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (قطیعة الجاهل تعدل صلة الماقل. نامه ۳۱) بریدن از نادان پیوستن به خردمندان است.

نقطه مقابل جاهل، عاقل است که به دوستی با او توصیه شده و از نظر علی(ع) کسی که با جاهل همنشینی کند عاقل نیست چنانچه فرموده‌اند: لیس من جالس الجاهل بذی معقول. (تحف العقول/۹۶) هر که با جاهل همنشینی کند، عاقل نیست.

۹ - افرادی فرومایه و گرفتار تهمت:

علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (لاخیر فی معین مهین. نامه ۳۱) دربار و یاور فرومایه و دوست به تهمت گفتار خیری نیست.

*آفات دوستی(عوامل گسستن دوستی)

عوامل چندی باعث از بین رفتن دوستی و محبت بین افراد است که در نهج البلاغه به مواردی از آن ها اشاره شده است از جمله:

۱ - سخن چینی:

سخن چینی از دوست موجب از بین رفتن دوستی و محبت فرد نسبت به دوست خویش می‌شود، علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (من اطاع التوانی ضیع الحقوق، ومن اطاع الواشی ضیع الصدیق. حکمت/ ۲۳۶ ابن ابی الحدید) هر که از دوستی پیروی کند، حقوق راتباه سازد و هر کس از سخن چینی پیروی کند، دوست راتباه سازد.

۲ - خبث سر بره و نهاد بد:

خبث سیرت و نهاد و طینت بد از عوامل از بین رفتن دوستی و محبت بین دوستان می‌باشد، علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (وانما اتم اخوان علی دین الله ما فرق بینکم الا خبث السرائر و سوء الضمائر... خطبه ۱۱۳) همانا شما برادران دینی یکدیگر را چیزی شما را از هم جدا کرده جز درون پلید و نهادید که با آن بسرمی‌برید نه هم رایاری می‌کنید و نه خیر خواه یکدیگر هستید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه با هم دوستی می‌نمایید، شما را چه می‌شود که به اندک دنیا که بدست می‌آورد شاد می‌شوید و از بسیار آخرت که از دستانتان می‌رود اندوهناک می‌شوید.

۳ - بخشش و عطا در جای نامناسب و به افراد غیر مستحق:

بخشش و عطا نامناسب و به افراد غیر مستحق، دوستی و محبت بین افراد را از بین می‌برد، علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (ولم یضع امرء ماله فی غیر حقه ولا عند غیر اهله الا حرمه الله شکرهم و کان لغیره و دهم فان زلت به الفعل یوما فاحتاج الی معونتهم فشرح ذین و الام خلیل. خطبه/ ۱۲۶) هیچ کس مال خود را آنجا که نباید داد و به نام مستحق نبخشید جز آنکه خداوند وی را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی ایشان از آن دیگری بود پس اگر روزی پای او لغزید و به یاری او نیازمند گردید، از دیدگاه ایشان بدترین یار و ولیم ترین دوست داره حساب می‌آید.

۴ - سخن دیگران را درباره دوست گوش کردن:

بدیهی است که ممکن است دیگران درباره دوست انسان به انسان چیزی بگویند و انسان آن را باور کند و موجب از بین رفتن دوستی و پیوند محبت وی با دوستش گردد. در صورتی که اگر با تحقیق و سنجیده اقدام می‌شد، پیوند دوستی گسسته نمی‌شد. علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (أیها الناس من عرف من أخیه وثیقته دین و سداد طریق فلا یسمع فیہ أقاویل الرجال أما إنه قد یرمی الرأمی و تخطی السهام و یحیل الکلام و باطل ذلک یبور و الله سمیع و شهید أما إنه لیس بین الحق و الباطل إلا أربع أصابع. خطبه/ ۱۴۱) ای مردم هر آن کس که از استواری برادر خویش در دین و از گام نهادن او در راه است آگاه باشد، نباید به گفته مردم درباره او گوش فرادهد، گاهی تیراندازی تیر می‌اندازد و تیرش به خطا می‌رود اما سخن اثرش باقی می‌ماند. درباره کسی چیزی گویند و آن نه این است گفتار باطل تباه، و خدا شنوا و گواه است، بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست.

فرموده یاد شده از سویی نشانگر آن است که شنیدن غیبت از عوامل از بین رفتن محبت و دوستی بین افراد است.

۵ - بی اعتنایی به کسی که به انسان علاقه دارد و علاقه به افرادی که به انسان بی اعتنا هستند. اعتنا و توجه به فردی که علاقمند به انسان است محبت و تحکیم دوستی را موجب شده و عدم آن به دوستی و محبت افراد نسبت به یکدیگر لطمه می‌زند، همچنین اعتنا و توجه به افرادی که شایستگی دوستی را ندارند باعث خواری نفس انسان است، علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (زهک فی راغب فیک نقصان حظ و رغبتک فی زاهد فیک ذل نفس حکمت/۴۵۱) بی اعتنایی تونسبت به کسی که نسبت به تو علاقه دارد بهره تو را از او کم می‌کند و علاقه توبه کسی که به تو بی اعتناست موجب ذلت توست. براساس این فرموده علی(ع) انسان باید موقعیت خود را ارزیابی کند و در همان حدود از مردم انتظار ارتباط داشته باشد.

۶ - حسادت:

خیرخواهی نسبت به دیگران از عوامل تحکیم محبت و دوستی بین افراد بوده و حسادت که ضد خیرخواهی است، محبت و دوستی افراد را از بین می‌برد، علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (حسد الصدیق من سقم الموده. حکمت/۲۱۸) رشک بردن دوست از خالص نبودن دوستی اوست.

به همین مورد اشاره دارد سخن دیگر علی(ع) که در آن فرموده‌اند: (فاذا رای احدکم لایخه غفیره فی اهل اومال او نفس فلا یکنون له فتنه خطبه ۲۳) اگر یکی از شما مال و منال برادر خویش را از خود بیشتر ببیند مبادا فریفته شده (او را به حسادت یا ارتکاب خلافی وادارد) بر همین اساس علی(ع) ترک حسد را موجب جلب محبت مردم دانسته و فرموده‌اند: من ترک الحسد کانت له المحبه عند الناس (بحار الانوار ۲۳۹/۷۴). هر که حسد را رها کند محبوب مردم می‌گردد. و نیز فرموده‌اند: (صحۃ الجسد من قلۃ الحسد. حکمت/۲۵۳) ابن ابی الحدید) صحت تن از کمی حسد است.

۷ - شیفته شدن به دنیا:

شیفتگی به دنیا موجب تضعیف پایه‌های محبت و دوستی بین افراد شده و آن را به مخاطره می‌اندازد، از همین رو علی(ع) فرموده‌اند: (وعلی الاخوان القاوه. حکمت/۳۴۷) (هر که شیفته دنیا شود) دوستانش باید وی را به گور سپرده و وی را فراموش کنند.

با توجه به آغاز این فرموده علی(ع) که درباره دنیا است فردی که بیش از حد به دنیا تکیه می‌کند و شیفته آن می‌شود، دوستانش را از دست خواهد داد.

۸ - خشمگین ساختن دوست (شرمنده کردن):

خشمگین کردن و نیز خجالت دادن دوست باعث از بین رفتن دوستی و محبت وی با دوست خویش می‌شود علی(ع) در این باره فرموده‌اند: (اذا احتشم المومن اخاه فقد فارقه. حکمت/۴۸۸) هر گاه مؤمن برادر خویش را خشمگین سازد، میان خود و او جدایی اندازد.

حشمه و احشمه یعنی اغضبه وی را به خشم آورد از این رو اظهار ناراحتی نسبت به دوست و برادر و هر بیگانه ای موجب دشمنی و جدایی است و همچنین خجالت دادن به افرادی که نوع خودخواهی و کبر تلقی شده و دشمن را برمی‌انگیزد.

فهرست منابع و مآخذ:

۱- قرآن کریم

۲- اصول کافی: کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة، تحقیق علی اکبر غفاری

۳- الامثال و الحكم المستخرج من نهج البلاغة: محمد غروی، ۱۳۶۵ش، قم، دفتر انتشارات اسلامی

۴- الانوار العلویة و اسرار المرتضویة: جعفر نقدی، ۱۳۸۱ق، الطبعة الثانية، المطبعة الحیدریة، نجف

۵- بحار الانوار: محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳ق، بیروت، مؤسسة الوفاء، الطبعة الثالثة

۶- بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة: محمد تقی شوشتری، ۱۳۷۶ش، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر

۷- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم: ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، تحقیق علی اکبر غفاری، الطبعة الثانية

۸- ترجمه غرر الحكم: هاشم رسولی محلاتی، ۱۳۷۸ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم

۹- ترجمه غرر الحكم: محمد علی انصاری، بی تا، تهران، چاپ هشتم

۱۰- ترجمه گویای نهج البلاغة: محمد رضا آشتیانی و محمد جعفر امامی، بی تا، قم، چاپ اول، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی

۱۱- ترجمه نهج البلاغة شرح ابن میثم: قربانعلی محمدی مقدم و دیگران، ۱۳۷۵ش، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی

۱۲- جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغة: محمود مهدوی دامغانی، ۱۳۷۵ش، تهران، چاپ دوم، نشر نی

۱۳- الخصال: شیخ صدوق قمی، ابوجعفر محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، ۱۳۶۲ش، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه

۱۴- شرح نهج البلاغة: ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، دار احیاء الکتب المریئة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم

۱۵- شرح نهج البلاغة: عباس علی موسوی، ۱۳۷۶ش، دار الرسول الاکرم، بیروت، چاپ اول

۱۶- علل الشرايع: شیخ صدوق قمی، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۳۸۶ق، کتابفروشی داوری، قم

۱۷- عیون اخبار الرضا: شیخ صدوق قمی، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، بیروت، مؤسسة الاعلمی چاپ اول، تحقیق شیخ حسن اعلمی

۱۸- گفتار امیر المؤمنین علی علیه السلام: حسین شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷ش، قم، چاپ چهارم

۱۹- مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل: حسین نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى

۲۰- من لایحضره الفقیه: شیخ صدوق قمی، ابوجعفر محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، جامعه المدرسين، الطبعة الثانية، تحقیق علی اکبر غفاری

۲۱- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة: حبیب الله هاشمی خویی، ۱۳۵۸ش، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامیه

۲۲- میزان الحكمه: محمد ریشه‌ری، ۱۳۷۵ش، قم، دار الحدیث، چاپ اول

۲۳- نهج البلاغة الثاني: جعفر حائری، ۱۳۶۸ش، بی جا، مؤسسة دار الهجرة، چاپ اول

- ٢٤ - نهج البلاغه: ترجمه جعفر شهیدی، ١٣٧٨ش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم
- ٢٥ - نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه: محمد باقر محمودی، ١٣٩٦ق، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول
- ٢٦ - نهج البلاغه: صبحی صالح، قم، بی تا، مؤسسه دار الهجرة.
- ٢٧ - نهج الباغه: ترجمه و شرح مصطفی زمانی، ١٣٧٨ش، تهران، مؤسسه انتشارات رضوی، چاپ دوازدهم

١. ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، ج ٥ ، صفحه ٤٢٢
 ٢. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ١٦ ، صفحه ١٠٩
 ٣. گفتار امیر المؤمنین علی علیه السلام، ج ١ ، صفحه ٣٩٤
 ٤. همان گفتار امیر المؤمنین / ٢٩٦
 ٥. ترجمه غرر (انصاری) ٢٩٥/٢
 ٦. همان غرر
 ٧. الکافی / ٢٣٩/٢
 ٨. مستدرک الوسائل / ١٧/ ٢٣٠. خیر اخوانک انصحبهم . الصیحة من اخلاق الکرام . النصیح ثمره الصیحة . النسخة تکر الود.
 ٩. الشیخ جعفر القندی، الاتوار الطویبة / ٢٨٥
 ١٠. بحار الاوتار / ١٦٦/٧١
- تُضْرِبُهُ لَمْ يَسْتَفْشِكْ فِي الْوَدِّ
 يَرُدُّكَ إِقْنَاءً عَلَيْكَ مِنَ الرَّدِّ
١١. بحار الاتوار / ٥٢/٧٢
 ١٢. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید / ٢٠/ ٢٢٩
 ١٣. کالی / ١٨٨/٢
 ١٤. نهج السعادة / ١٠/ ٥٥ و ٢٩٤/٧

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی